

از نئولیبرالیسم ترکی تا ایرانی و زمینه‌سازی شورش‌های مدنی

سید محمدحسین متولی امامی

ترکیه به عنوان یکی از الگوهای در حال توسعه معرفی می‌شود. هرچند ترکیه بر مبنای الگوی سعید نورسی و شاگرد مهم‌اش گولن، به دنبال احیای خلافت عثمانی با الگوی تمدن اسلام ترکی است، اما غربی‌ها ترکیه را به عنوان الگوی موفق برای کشورهای اسلامی در برابر اسلام سیاسی ایران و اسلام وهابی عربستان معرفی می‌کنند. شبکه من و تو، بی‌بی‌سی فارسی و روشن‌فکران داخلی ایرانی نیز بر الگوشدن ترکیه تأکید فراوان دارند. ترکیه در این فرصت به‌دست آمده، این تفکر را در جهان اسلام ترویج می‌کند که معقول‌ترین تمدن، بر پایه قرائت ترکی از اسلام شکل خواهد گرفت. بر همین اساس دولت ترکیه برای ورود به کشورش ویزا را ملغی کرده تا از سویی با جذب توریست، درآمد فوق‌العاده‌ای کسب کرده باشد و از سویی دیگر الگوی اسلام ترکی را مقابل چشم دیگر کشورها و بخصوص مسلمانین قرار دهد. اسلامی که در فیلم کلید اسرار و دیگر سریال‌های ترکی، همه ایرانیان دیده‌اند و به دستور گولن در همه کشورهای اسلامی منتشر شده است. معنویتی که با بی‌حجابی، شرب خمر و اقتصاد ربوی و بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی جمع می‌شود. اسلامی که با همه مظاهر غرب دست آشتی می‌دهد و در تفسیر نورسی از قرآن منعکس شده است. این قرائت در ترکیه با عنوان اسلام اجتماعی شناخته می‌شود و مورد حمایت اردوغان و ارتش است؛ چراکه این قرائت، در مقابل اسلام سیاسی نجم‌الدین اربکان و جذابیت‌های انقلاب اسلامی مقاومت می‌کند. در افق پیش روی ترکیه، سکولاریسم و تفکیک حوزه خصوصی و اجتماعی بسیار پررنگ است، به نحوی که ارتش و حاکمیت سیاسی، با رویکرد کاملاً سکولار، عهده‌دار امنیت و اقتصاد خواهند بود و نهادهای دینی نیز به راحتی فعالیت‌های مذهبی خود را خواهند داشت، اما به شرطی که به جانب اسلام سیاسی و یا اسلام وهابی گرایش نداشته باشند.

بعد از فتنه 78 و 88 در ایران، وقتی روشن‌فکران فهمیدند که تغییر نظام سیاسی ایران، از راه آشوب‌های داخلی، سخت و پرهزینه خواهد بود، به سویی توسعه نئولیبرالیسم در ایران رفتند و دولت حسن روحانی که تداوم تفکر دولت کارگزاران سازندگی است، دقیقاً منطبق با الگوی نئولیبرالیسم تأسیس شد. نئولیبرالیسم، الگوی مانند نظام اجتماعی کنونی ترکیه دارد، یعنی از سویی تضمین می‌کند که امنیت اجتماعی کشور را حفظ کند و در مقابل، مدعی است که آزادی اجتماعی گسترده‌تری را برای شهروندان‌اش ایجاد می‌کند. متأسفانه بخشی از بدنه اصول‌گرایی نیز به دلیل درک بسته امنیتی، چنین نسخه‌ای را پسندیده‌اند و در بسیاری از موارد با آن همراهی کرده‌اند. این سیاست، هرگونه نشاط سیاسی و فرهنگی جامعه را با سرکوب از بین می‌برد تا جامعه، بدون تفکر در امور سیاسی، به لذت‌های زندگی سرگرم شود و یک فهم بسیط و ناکارآمد از سیاست داشته باشد؛ این در حالی است که مقام معظم رهبری بارها بر سیاسی‌ماندن جامعه و انقلابی‌بودن آن تأکید کرده‌اند. به نظر می‌رسد که نسخه مذکور، هرچند با رویکردهای سرکوب امنیتی و تک‌صدایی سیاسی همراه می‌شود، اما در کشورهایایی مثل ایران که دارای فشار خارجی و بی‌کفایتی مسئولین سیاسی است، به‌شدت جامعه را شکننده می‌کند. در جوامعی که

نئولبرالیسم در آن‌ها موفق بوده، همراهی جامعه جهانی نیز با این الگو بر موفقیت آن افزوده است، اما در جامعه ایرانی، نئولبرالیسم، نارضایتی و نیازهای کاذب را حداکثری می‌کند و انتظارات مردم را نسبت به حاکمیت می‌افزاید. در این وضعیت، فشار، تحریم و تحریک خارجی بر ناتوانی مدیران می‌افزاید و انتظارات مردمی را به صورت کاذب و بادکنکی افزایش می‌بخشد. در نتیجه ایجاد آشوب داخلی و کشاندن مردم همه مناطق کشور، حتی شهرهای کوچک و روستایی به خیابان‌ها آسان‌تر خواهد شد، هم‌چنان که در اغتشاشات 96 مشاهده شد.

در الگوی مذکور، تلاش بر آن است تا به تدریج نهادهای اسلام سیاسی مانند ولایت فقیه، حوزه علمیه، سپاه و بسیج را به نهادهایی بی‌ریشه و نمایشی تبدیل کند و تنها پوسته‌ای از آن باقی بگذارد. ولی فقیه مانند ملکه انگلیس، شخصی نمادین و نمایشی شود و سپاه و بسیج، به عنوان یک نیروی نظامی کنترل‌شده، ذیل نظام سیاسی سکولار استحاله شوند. در این صورت، از سویی ظرفیت‌های بومی توسعه و پیشرفت از میان رفته و از سوی دیگر، ناتوانی مسئولین برای پاسخ‌گویی به احساس نیاز سرسام‌آور جدید مردم افزایش می‌یابد و این تلقی را ایجاد می‌کند که هیچ‌گاه چنین حاکمیتی، توان حل مسائل و مشکلات مردم را ندارد.

توجه به الگوهای بومی، عملی و کارآمد برای حل معضلات اقتصادی و به تبع آن فرهنگی، تربیت نیروی کارآمد و نخبه انقلابی و تلاش برای بازسازی اعتماد عمومی به انقلاب اسلامی، مهم‌ترین وظیفه جریان انقلابی در شرایط کنونی است. مزیت نسبی امروز، افزایش فشار خارجی است! چراکه فشار بیش‌تر دشمن، ظرفیت هم‌گرایی داخلی و درک متقابل جریان‌های مختلف سیاسی ایران را افزایش می‌دهد و امکان‌های بیش‌تری برای بازسازی وحدت ملی و کارآمدشدن الگوهای سیاسی و قطع اعضای فاسد و گندیده بدنه دولتی را فراهم کرده است. در غیر این صورت، دو لبه قیچی مسئولین بی‌کفایت و فشار دشمن خارجی، ایران را به ناکجاآباد فرهنگی و اقتصادی خواهد کشاند.